

تجارب دانشجویان متأهل از آمادگی ازدواج: یک پژوهش کیفی

Married students' experiences regarding marriage readiness: A qualitative study

Reza Khojasteh Mehr

Shahid Chamran University of Ahvaz

Zeinab Daniali

Family Counseling

Khadijeh Shirali Nia

Shahid Chamran University of Ahvaz

رضا خجسته مهر*

دانشگاه شهید چمران اهواز

زینب دانیالی

مشاوره خانواده

خدیجه شیرالی نیا

دانشگاه شهید چمران اهواز

چکیده: آمادگی ازدواج به عنوان ارزیابی ذهنی فرد از آمادگی شخصی برای پذیرش مسوولیت‌ها، متغیر کلیدی در تصمیم‌گیری فرد برای ازدواج و پیش‌بین مهم رضایت زناشویی پس از آن محسوب می‌شود. براین اساس هدف پژوهش حاضر بررسی تجربیات زیسته دانشجویان متأهل از آمادگی ازدواج بود. این مطالعه به روش کیفی و با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی انجام شد. به این منظور ۱۶ نفر از دانشجویان متأهلی که در زمان ازدواج ادراک آمادگی داشتند با استفاده از مصاحبه عمیق و اکتشافی مورد مطالعه قرار گرفتند. داده‌ها جمع‌آوری، ثبت و کدگذاری شد و در قالب مقوله‌های اصلی طبقه‌بندی گردید. تحلیل تجارب مشارکت‌کنندگان منجر به شناسایی ۵۵۱ کد اولیه، ۱۷ زیرمضمون و ۵ مضمون اصلی شامل آمادگی درون فردی، آمادگی بین فردی، آمادگی موقعیتی، الزام‌آوری نیازها و حمایت اجتماعی شد. نتایج نشان داد که عواملی مانند آمادگی اخلاقی، عاطفی و روانی برای ازدواج، کسب استقلال عاطفی و مالی از خانواده اصلی، آمادگی فداکاری، گذشت و متعهدبودن در قبال همسر، پذیرش مسوولیت‌ها و چالش‌های زندگی مشترک، کسب مهارت‌های لازم برای زندگی مشترک، ملاک‌گذاری برای انتخاب همسر، طی کردن دوره شناخت، کسب تجربیاتی از زندگی مشترک اطرافیان و زندگی دانشجویی، آمادگی سنی، الزام‌آوربودن نیازها و حمایت اطرافیان، نقش مهمی در آمادگی افراد برای ازدواج ایفا می‌کنند. بنابراین ضروری است در برنامه‌های آمادگی ازدواج که برای نوجوانان و جوانان اجرا می‌شود به این عوامل مهم توجه شود.

واژه‌های کلیدی: آمادگی ازدواج، تاهل، پدیدارشناسی

Abstract: Readiness for marriage is regarded as a subjective evaluation of one's own readiness to take on the responsibilities and challenges of marriage and a predictor of marital satisfaction. So the aim of the present research was studying the lived experiences of marriage readiness among married students. The study was conducted in a qualitative method using a phenomenological approach. Thus 16 married students who had felt marriage readiness at the time of their marriage, were selected in a purposive sampling which were studied via in-depth and exploratory interviews. Then data were collected, registered, encoded and classified into 5 main categories. By analyzing the participants' experiences, 551 primary codes, 17 subthemes, and five main themes, including interpersonal readiness, intrapersonal readiness, contextual readiness, meeting the needs, and social support were identified. The results showed that different factors such as gaining moral, emotional and mental readiness to marriage, gaining emotional and financial independence from family of origin, getting ready to sacrifice, forgiveness and commitment to spouse, accepting the responsibilities and challenges of marital life, acquiring necessary interpersonal skills, considering some criteria for choosing spouse, making acquaintance with the spouse, getting some experiences from marital life of others and student life, age readiness, and others' supports have an important role in preparing people for marriage. So all important factors should be noticed in marriage preparation programs which target adolescents and the youth.

Keywords: marriage readiness, marriage, phenomenology

* نشانی پستی نویسنده مسوول: اهواز، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، گروه مشاوره. پست الکترونیکی: khojasteh_r@scu.ac.ir

مقدمه

آمدگی ازدواج^۱ و احساسات و نگرش‌های^۲ افراد در مورد ازدواج، متغیری کلیدی در تصمیم‌گیری فرد برای ازدواج و پیش‌بین مهم رضایت زناشویی^۳ پس از آن است (ویلقبی، ۲۰۱۰؛ کلاکبرگ، استلزنبرگ و وایت، ۱۹۹۵؛ هولمن، لارسون و هارمر، ۱۹۹۴؛ والر و مک‌لاناها، ۲۰۰۵). لارسون (۱۹۸۸) آمدگی ازدواج را به‌عنوان ارزیابی ذهنی فرد از آمدگی شخصی برای پذیرش مسوولیت‌ها و چالش‌های زندگی مشترک در نظر گرفت. بلومر (۱۹۶۹) آمدگی را به عنوان حالت و تمایلی در نظر گرفت که در پس اعمال فرد قرار دارد و با آگاهی از وضعیت آمدگی فرد می‌توان نوع اعمال او را پیش‌بینی کرد. آمدگی ازدواج شامل تغییر جهت از مسوولیت مراقبت از خود به پذیرش مسوولیت مراقبت از همسر است (کارول، باجر، ویلقبی، نلسون، مدسن و همکاران، ۲۰۰۹).

در تشریح آمدگی ازدواج جوانان در نظر گرفتن تاثیر جامعه‌پذیری^۴ بسیار مهم است زیرا آمدگی ازدواج آنها به‌طور عمده‌ای تحت تاثیر قوانین و هنجارهای اجتماعی است (گلن و مارکوارت، ۲۰۰۱؛ لارسون، بنسون، ویلسون و مدورا، ۱۹۹۸). در واقع والدین عموماً نقش اساسی در شکل‌دهی دیدگاه‌های فرزندان خود در مورد ازدواج و آمدگی ازدواج آنها دارند (بار و سیمونز، ۲۰۱۶؛ کفلاس، فرستنبرگ، کار و ناپولیتانو، ۲۰۱۱؛ لارسون، ۱۹۸۸؛ ماسکو و پیستول، ۲۰۱۰؛ ویلقبی، کارول، ویتاس و هیل، ۲۰۱۲). براساس شواهد تجربی، نگرش‌ها، رفتارها و ارزش‌های والدین به‌طور قابل توجهی بر نگرش‌ها و عقاید فرزندان آنها در مورد ازدواج اثرگذار هستند (اکسین و تورنتون، ۱۹۹۲؛ خجسته‌مهر، محمدی و عباس‌پور، ۱۳۹۵؛ وایت‌هد و پاپنو، ۲۰۰۷؛ هیتون، ۲۰۰۲). انتظارات جامعه سنتی تاثیر بیشتری بر دختران جوان دارد چرا که جامعه دختران جوان را پیش از پسران جوان به فکر کردن به ازدواج و آماده شدن برای آن تشویق می‌کند (اپنهایمر، ۱۹۸۸؛ لارسون و همکاران، ۱۹۹۸). زنان تمایل دارند زودتر از مردان هم‌سن خود ازدواج کنند و دیرتر از آنها به حرفه یا شغلی مشغول شوند (کرپلمن و اسکوانولت،

۱۹۹۹). شرودر (۲۰۰۳) تمایل به همراهی و مصاحبت، برخورداری از حمایت عاطفی و تمایلات جنسی را از جمله دلایل زنان برای ازدواج می‌داند. نتایج پژوهش کامکار (۱۳۷۷) مشخص ساخت که اکثر دانشجویان متأهل، انگیزه ازدواج خود را آرامش، تکامل روحی، پاسخ به فطرت و ارضای غریزه جنسی می‌دانستند. استینت (۱۹۶۹) آمدگی ازدواج را با صلاحیت^۵ ازدواج فرد مرتبط می‌دانست و مشخص ساخت که سه عامل زمینه‌ای ممکن است بر آمدگی فرد برای صلاحیت ازدواج تاثیر بگذارند: ماهیت روابط خانوادگی اولیه، تجربیات مربوط به قرار ملاقات‌ها، و شخصیت^۶ فرد. استینت (۱۹۶۹) هم‌چنین مشخص ساخت که افرادی که مادرانشان خانه‌دار بودند، در مقایسه با کسانی که مادر شاغل داشتند، و کسانی که نامزد داشتند، در مقایسه با کسانی که صرفاً قرار ازدواج با هم داشتند، آمدگی ازدواج بیشتری داشتند.

پژوهش تجربی لارسون (۱۹۸۸) سه متغیر را در ارتباط با آمدگی ازدواج دانشجویان معرفی کرد که عبارت بودند از جنسیت، روابط عاشقانه و گذراندن دوره‌های آموزشی ازدواج و خانواده. لارسون (۱۹۸۸) در این مطالعه مشخص کرد که زنان، افراد دارای روابط عاشقانه مطلوب و دانشجویانی که دوره‌های آمدگی ازدواج را گذرانده بودند، از آمدگی ازدواج بسیار بالاتری نسبت به مردان، افرادی که روابط عاشقانه کمتری داشتند و دانشجویانی که دوره‌های آمدگی ازدواج را نگذرانده بودند، بهره‌مند بودند.

هولمن و لی (۱۹۹۷) با استفاده از پرسشنامه آمدگی ازدواج^۷ دریافته‌اند که ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مانند میزان درآمد، تحصیلات و سن، ارتباط زیادی با آمدگی ازدواج افراد داشت. آنها هم‌چنین دریافته‌اند که عوامل زمینه‌ای، صفات و نگرش‌های فردی و حمایت افراد مهم زندگی فرد بر ادراک آمدگی ازدواج افراد تاثیر می‌گذارد. بنابراین افرادی که در سنین بالاتر ازدواج می‌کنند، تجربه تحصیلی بیشتری دارند، از لحاظ مالی احساس امنیت بیشتری می‌کنند و از حمایت و تایید خانواده و دوستان برخوردارند، در نهایت گزارش خوبی از رابطه خود با کسی که به‌عنوان همسر انتخاب کرده‌اند، ارایه می‌کنند و نسبت به افراد دیگر احساس آمدگی ازدواج بیشتری دارند. هولمن و لی (۱۹۹۷) با استفاده از مدل فرایند

1. marriage readiness
2. attitudes
3. marital satisfaction
4. socialization

5. competency

6. personality

7. Preperation for Marriage Questionnaire (PREP-M)

عاشقانه^{۱۰}، تربیت دینی^{۱۱} و رشد حس خود^{۱۲} و ویژگی‌های شخصی^{۱۳}. مرحله دوم این مدل عشق‌ورزی^{۱۴} است که در آن آماده‌سازی رابطه رخ می‌دهد. زوجین به چهار حوزه اصلی که به آمادگی ازدواج آنها در این مرحله کمک کرده بود، اشاره کردند: آشناسدن^{۱۵}، تبادل اطلاعات باهم^{۱۶}، هم‌خانگی^{۱۷} و حل چالش‌ها^{۱۸}. در نهایت، مرحله سوم این مدل، نامزدی بود. در این مرحله تعاملات افراد هدفمندتر می‌شود. با توجه به توضیحات مشارکت‌کنندگان در این پژوهش مشخص شد که آماده‌شدن برای ازدواج در طول زندگی رخ می‌دهد. براساس نتایج به دست آمده مشخص شد که آماده‌سازی افراد نه تنها برای دوره نامزدی بلکه در طول مراحل نوجوانی^{۱۹} و جوانی^{۲۰} ضروری است.

در ایران نیز در پژوهش کمی- کیفی قلیلی و همکاران (۲۰۱۲)، ۱۱ مقوله برای معیارهای آمادگی ازدواج به دست آمد، شامل: کفایت عقلی، آمادگی اخلاقی، مدیریت هیجان، آمادگی شخصیتی، سلامت روانشناختی، نقش‌های مربوط به خانواده، مهارت‌های ارتباطی، آمادگی جسمی، آمادگی مالی، آمادگی خانوادگی و آمادگی اجتماعی. همچنین نتایج پژوهش شریفی‌زاده (۱۳۹۱) نشان داد که سبک دلبستگی اجتنابی^{۲۱} با آمادگی ازدواج رابطه منفی و سبک دلبستگی اضطرابی^{۲۲} با آمادگی ازدواج رابطه مثبت دارد. همچنین بر اساس نتایج این پژوهش، بین نگرش مذهبی دختران و پسران و آمادگی ازدواج آنها رابطه مثبتی وجود دارد.

هر چند آمادگی ازدواج پیش‌بین مهم رضایت زناشویی است ولی در مورد آن تحقیقات اندکی انجام شده است (لارسون، نوول، هولمن، و فاینور، ۲۰۰۷؛ نلسون، ۲۰۰۸). پژوهش‌های خارجی و داخلی در زمینه آمادگی ازدواج عمدتاً به صورت کمی انجام شده‌اند و ابزار آنها پرسشنامه بوده

بین فردی^۱ کیت و لوید مشخص ساختند که شاخص‌های فرایندهای تعاملی^۲ در درک آمادگی ازدواج افراد مهم است و این فرایندها، واسطه رابطه صفات شخصیتی^۳، عوامل خانواده اصلی، عوامل محیطی- اجتماعی و آمادگی ازدواج، هستند. هم‌چنین ساسلر و شوئن (۱۹۹۹) مشخص نمودند که ادراک جوانان و هم‌چنین شریک زندگی‌شان از آمادگی ازدواج خود در زمینه‌هایی هم‌چون اتمام تحصیلات و اشتغال به یک شغل با زمان‌بندی آنها برای ازدواج مرتبط است.

کارول و همکاران (۲۰۰۹) نیز نشان دادند که از نظر بسیاری از جوانان، یکی از ابعاد مهم آمادگی ازدواج شامل آمادگی‌های مالی هم‌چون استقلال مالی کامل از والدین بود. تحقیق باس (۱۹۸۹) نیز مشخص کرد که زنان در امر ازدواج به دورنمای مالی مردان و سخت‌کوشی آنها در راه حرفه خود، اهمیت می‌دهند و نیز در تمام کشورها و فرهنگ‌ها، مردها ترجیح می‌دهند همسرانی کم‌سن‌تر از خودشان داشته باشند و زنان نیز ترجیح می‌دهند همسرانی با سن بالاتر از خود داشته باشند. به نظر می‌رسد که "شخصیت" در انتخاب همسر مهم‌تر از ظاهر فرد است (کانیگهام، دروئن و باری، ۱۹۹۷). زوجین به‌هنگام ازدواج در جستجوی شریکی هستند که از لحاظ نژادی، اجتماعی، تحصیلی، شخصیتی و مذهبی به آنها شباهت داشته باشد (جرارد^۴، ۱۹۶۴؛ به نقل از ساروخانی، ۱۳۸۶؛ شافر و کیت، ۱۹۹۰؛ فینگلد، ۱۹۹۰؛ قاسمی تودشکچویی، معتمدی، اسداللهی و مالک، ۱۳۸۴).

نلسون (۲۰۰۸) در یک مطالعه کیفی از نوع نظریه زمینه‌ای^۵ روی افراد متأهل، به یک مدل سه مرحله‌ای برای آمادگی ازدواج دست یافت. این مدل نشان داد که آمادگی ازدواج قبل از دوران نامزدی^۶ آغاز می‌شود. در طول مرحله اول، یعنی پیش-عشق‌ورزی^۷، آمادگی فرد به‌صورت رشد شخصی^۸ آغاز می‌شود. شرکت‌کنندگان در این مرحله به ۴ حیطه اشاره کردند که به آمادگی ازدواج آنها کمک کرده بود: یادگیری از مدل ازدواج والدین^۹، یادگیری از روابط

10. romantic relationships
11. religious upbringing
12. developing a sense of self
13. personal characteristics
14. courtship
15. getting to know each other
16. communicating
17. cohabitation
18. working through challenges
19. adolescence
20. young adulthood
21. avoidant attachment style
22. anxious attachment style

1. intrapersonal process model
2. transactional
3. personality traits
4. Girard, A.
5. grounded theory
6. engagement period
7. pre-courtship
8. self-development
9. parental marriage example

هم‌چنین لازم بود که افراد به هنگام ازدواج، آمادگی ازدواج مطلوبی را تجربه کرده و از زندگی مشترک خود رضایت داشته باشند که رضایت خود را به‌طور شفاهی ابراز می‌کردند. برای انتخاب نمونه از شیوه نمونه‌گیری هدفمند و البته به‌طور همزمان از شیوه گلوله برفی، جهت دسترسی سریعتر به مشارکت‌کنندگان استفاده شد. نمونه‌گیری هدفمند به انتخاب نمونه‌هایی اشاره دارد که حداکثر دستیابی به پاسخ سوالات را ممکن می‌سازند و می‌توانند در زمینه پدیده موردنظر اطلاعات جامعی را در اختیار پژوهشگر قرار دهند (کرسول و کلارک، ۲۰۰۷). فرایند گزینش افراد نیز تا زمانی ادامه پیدا کرد که در جریان کسب اطلاعات، هیچ داده جدیدی پدیدار نشد یعنی جمع‌آوری داده‌ها تا حصول اشباع^۳ نظری داده‌ها ادامه یافت و در نهایت، تعداد مشارکت‌کنندگان به ۱۶ نفر رسید. به‌طور معمول در پژوهش‌های پدیدارشناسی، اندازه نمونه، کوچک و به‌طور تقریبی بین ۱۵-۶ نفر است (دنزین و لینکلن، ۲۰۰۵؛ مورس، ۱۹۹۴). به منظور رعایت اصول اخلاقی، ابتدا مشارکت‌کنندگان از اهداف و اهمیت پژوهش آگاه شدند و با رضایت در تحقیق شرکت کردند. علاوه بر کسب رضایت آنها جهت ضبط صدا، به آنها اطمینان داده شد که تمام مشخصات آنها محرمانه باقی خواهد ماند. هم‌چنین حق انصراف در تمام فرایند پژوهش به آنها داده شد. تمام مصاحبه‌ها نیز با تعیین زمان مشخص شده از سوی شرکت‌کننده و در مکانی خلوت انجام گرفت. ماهیت اکتشافی پژوهش موجب شد که از روش مصاحبه عمیق و بدون ساختار^۴ استفاده شود. مصاحبه‌ها با یک سوال کلی در مورد تجارب آمادگی ازدواج افراد شروع شد و در مواقع لازم در طول انجام پژوهش از سوالات کاوش‌گرانه^۵ مانند می‌توانید در این باره بیشتر توضیح دهید؟ استفاده شد. مدت مصاحبه‌ها اغلب بین ۲۵-۵۵ دقیقه متغیر بود. زمان و مکان مصاحبه‌ها با کسب توافق با مشارکت‌کنندگان، تعیین می‌شد. داده‌ها در طول یک دوره ۵ ماهه، جمع‌آوری، ثبت، کدگذاری و در قالب مضامین عمده دسته‌بندی گردید.

کاستر و پرسی (۲۰۰۶) مرور جامعی بر ادبیات مربوط به فرایند تحلیل داده‌های پدیدارشناختی انجام دادند و به این نتیجه دست یافتند که تنها سه رویکرد اصلی تحلیل

است؛ به‌عنوان مثال می‌توان به تحقیقات هولمن و لی (۱۹۹۷) و کارول و همکاران (۲۰۰۹) در خارج و یا پژوهش شریفی‌زاده (۱۳۹۱) در داخل اشاره کرد. هم‌چنین تا به امروز در کشور ما، مطالعه کیفی در مورد تجربیات زیسته^۱ مرتبط با نحوه آمادگی ازدواج افراد متاهل انجام نشده است. بنابراین نقص دانش درباره معنای آمادگی ازدواج یکی از عوامل مهم انجام پژوهش کیفی حاضر است. هم‌چنین با توجه به این‌که باورهای آمادگی ازدواج افراد متأثر از بافت فرهنگی آنها است (ویلقبی، هال و لوزاک، ۲۰۱۵) و نتایج مطالعات انجام شده در یک فرهنگ را نمی‌توان به فرهنگ دیگر تعمیم داد، بنابراین انجام پژوهش در خصوص آمادگی ازدواج به روش کیفی در بافت فرهنگ بومی کشورمان ضرورت دارد. از این رو پژوهش حاضر به دنبال مطالعه چيستی تجارب دانشجویان متاهل از آمادگی ازدواج بود تا به این سوال اساسی پاسخ دهد که دانشجویان متاهل چه تجربیاتی از آمادگی ازدواج داشته‌اند؟

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

پژوهش حاضر به روش کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی^۲ انجام شد. در این پژوهش، در فرایند کار، بر توصیف آنچه که افراد بیان می‌کنند تمرکز می‌شود تا منجر به کشف پدیده‌های تازه شود (اسپیزال، استراوبرت و کارپنتر، ۲۰۱۱). مساله اصلی در کاربرد پدیدارشناسی پاسخ به این سوال است که آیا پدیده موردنظر نیاز به روشن‌سازی دارد یا خیر؟ آمادگی ازدواج با وجود تمام اهمیتی که دارد، هنوز در ایران، به اندازه کافی روشن نشده است از این‌رو روش فوق برای مطالعه حاضر انتخاب شد. در این پژوهش بر اساس هدف مطالعه، شرکت‌کنندگان از بین جامعه دانشجویان زن و مرد متاهل دانشگاه شهید چمران اهواز که معیارهای ورود به مطالعه را داشتند، انتخاب شدند. معیارهای ورود به مطالعه شامل گذشتن حداقل ۱ و حداکثر ۵ سال از عمر ازدواج افراد بود و نیاز بود که مشارکت‌کنندگان تجربیات مربوط به آمادگی ازدواج خود را به‌خاطر آورند و متمایل به مشارکت در پژوهش و بازگوکردن تجربیات خود در این زمینه باشند.

3. saturation

4. deep and unstructured interview

5. exploratory questions

1. lived experiences

2. phenomenology

هم‌چنین به منظور صحت و اعتباریابی داده‌های پژوهش از چهار شاخص موثق بودن^۴ اعتبار گوبا و لینکلن (۱۹۸۹) استفاده شد. جهت تضمین قابلیت اعتبار^۵ داده‌ها پس از تحلیل، هر مصاحبه دوباره به شرکت‌کننده بازگشت داده شد و صحت و سقم مطالب تایید و تغییرات لازم اعمال گردید. جهت تضمین قابلیت تصدیق^۶ سعی بر آن بود که پژوهشگران پیش‌فرض‌های پیشین خود را تا حد امکان در فرایند جمع‌آوری اطلاعات دخالت ندهند. جهت تضمین قابلیت اطمینان^۷ و کفایت از راهنمایی متخصصان در زمینه کیفی استفاده شد. جهت افزایش قابلیت انتقال^۸، از حضور هر دو جنس، استفاده شد و سعی شد که حتی‌الامکان از لحاظ مرتبه علمی، نوع رشته و بومی و غیربومی بودن، با هم متفاوت باشند. مشارکت‌کنندگان از بین دانشجویان درحال تحصیل در دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری رشته‌های مختلف انتخاب شدند که تعداد ۶، ۸ و ۲ نفر از آن‌ها به ترتیب در مقاطع دکتری، کارشناسی ارشد و کارشناسی، مشغول به تحصیل بودند و شامل ۱۰ زن و ۶ مرد مناهل با میانگین و انحراف استاندارد سنی ۳۰ و ۳/۶ و دامنه سنی ۲۵-۳۷ سال بودند. میانگین مدت ازدواج آنها ۳/۲ سال با دامنه ۵-۱ سال بود. شرکت‌کنندگان از لحاظ قومیتی و محل سکونت از تنوع برخوردار بودند (۸ نفر فارس، ۵ نفر بختیاری، ۱ نفر لر، ۱ نفر ترک و ۱ نفر عرب).

یافته‌ها

تحلیل تجارب مشارکت‌کنندگان منجر به شناسایی ۵۱۱ کد اولیه^۹، ۱۷ زیرمضمون^{۱۰}، مقوله یا درون‌مایه فرعی و ۵ مضمون اصلی، تم و یا درون‌مایه اصلی شد که در جدول ۱ ارائه شده است.

داده‌های پدیدارشناختی توصیفی مورد پذیرش جامعه تخصصی روانشناسی وجود دارد که عبارتند از: مدل زیورجی (۱۹۹۷)، مدل موستاکس (۱۹۹۴) و روش کلایزی (۱۹۷۸). از آن‌جا که هدف مطالعه حاضر، توصیف پدیده آمادگی ازدواج بود، از روش تحلیل داده‌های پدیدارشناختی توصیفی کلایزی (۱۹۷۸) استفاده شد. این روش تحلیل از ۷ مرحله تشکیل شده است. براین اساس در پژوهش حاضر ابتدا متن رونویسی شده هر مصاحبه چندین بار خوانده شد تا مفهومی از کل متن فهمیده شود. در مرحله دوم عبارات و جملات مهم مرتبط با تجربه افراد از پدیده موردنظر، یعنی آمادگی ازدواج، از متون رونویسی شده استخراج شد. در مرحله سوم فرموله کردن معانی^۱ انجام شد که طی آن مفهوم عبارات مهم توضیح داده شد. در مرحله چهارم تمام معانی فرموله شده در مقوله‌هایی که ساختار منحصر به فردی از خوشه‌های تم^۲ هستند، گروه‌بندی شدند. در مرحله پنجم خوشه‌های تم با هم ادغام شدند تا سازه‌های تم مجزا را تشکیل بدهند. با ادغام تمام تم‌های این مطالعه در همدیگر، ساختار کلی پدیده موردنظر استخراج شد. پژوهشگران مطالعه حاضر از کمک یکی از متخصصان در زمینه کیفی برای بررسی تمامیت یافته‌ها جهت ارایه و تایید توصیف جامع تجربیات مشارکت‌کنندگان از پدیده مورد مطالعه بهره بردند. در مرحله ششم تقلیل یافته‌ها انجام شد که به واسطه آن توصیفات زائد، نامناسب و اغراق‌آمیز از کل بخش زوده شد. اصلاحاتی نیز انجام شد که رابطه بین خوشه‌های تم و تم‌های استخراج شده از آنها را روشن کند و شامل حذف بعضی از ساختارهای مبهم و دوپهلوی که توصیف جامع را تضعیف می‌کردند، می‌شد. در نهایت اعتباریابی^۳ نتایج انجام شد و یافته‌ها به اطلاع مشارکت‌کنندگان رسانده شد و آنها صحت نتایج و مطابقت آنها با تجربیات خود را تایید می‌کردند. بنابراین مطابق نظر هالووی و ویلر (۲۰۱۳) در مرحله آخر نتایج به مشارکت‌کنندگان بازگردانده و در مورد یافته‌ها از آنها سوال پرسیده و به این ترتیب به داده‌ها اعتبار بخشیده شد.

4. truthworthiness
5. credibility
6. confirmability
7. dependability
8. transferability
9. initial code
10. category

1. formulation of meanings
2. theme
3. validation

جدول ۱

مضامین اصلی و فرعی آشکارشده از تحلیل داده‌ها

مضامین اصلی	مضامین فرعی
آمادگی درون‌فردی	آمادگی روانی، آمادگی عاطفی، آمادگی اخلاقی
آمادگی بین‌فردی	کسب مهارت‌های زندگی مشترک، طی کردن فرایند آمادگی ازدواج، ملاک‌گذاری برای انتخاب همسر، ملاک‌گذاری برای انتخاب خانواده همسر، آمادگی پذیرش نقش
آمادگی موقعیتی	کسب تجربه از زندگی اطرافیان، نقش زندگی دانشجویی، آمادگی سنی، آمادگی اقتصادی، اشتغال به یک حرفه
الزام‌آوری نیازها	نیازهای مادی، نیازهای غیرمادی
حمایت اجتماعی	حمایت مادی اطرافیان، حمایت غیرمادی اطرافیان

چسبیده باشه، من نه زیاد دوست نداشتم و الان هم دارم به همون شکل ادامه میدم." (مشارکت‌کننده شماره ۱۵).

هم‌چنین در بحث آمادگی اخلاقی می‌توان به افزایش آمادگی فرد در متعهد بودن به همسر، صبر در برابر سختی‌های زندگی مشترک و نیز فداکاری و گذشت در ارتباط با همسر، اشاره کرد. به‌عنوان مثال مشارکت‌کننده شماره ۱۱ در مورد متعهد بودن به همسر گفت: "اول از همه اون تعهد بود که دیگه می‌دونستم بعد از این مسوولیت مهمی به گردنمه، و اونم تعهد به اون آدم، به اون زندگی و چارچوب‌هایی بود که مورد توافق هر دو مون بود که باید بهش پایبند باشم."

آمادگی بین‌فردی: مشارکت‌کنندگان به آمادگی بین‌فردی^۵ به گونه‌ای اشاره می‌کردند که مرتبط با کسب مهارت‌های زندگی مشترک، طی کردن فرایند آمادگی ازدواج، ملاک‌گذاری برای انتخاب همسر و خانواده همسر و آمادگی پذیرش نقش بود.

داشتن مهارت‌های زندگی مشترک قبل از ازدواج از عوامل مهمی بود که مشارکت‌کنندگان به لزوم یادگیری مستقیم یا غیرمستقیم آنها اشاره کردند که غالباً عبارت بودند از: مهارت حل مساله، مهارت‌های جنسی، مهارت آشپزی برای زن و مهارت مدیریت زندگی مشترک برای مرد. یکی از مشارکت‌کنندگان در مورد لزوم یادگیری مهارت‌های جنسی گفت: "رابطه‌های زناشویی رو سرچ میکردم مسایل جنسی رو یاد گرفتم... اینا رو خوب بلد بودم یعنی وقتی من ازدواج کردم دیگه نرفتم اینا رو یاد بگیرم... لازمه خیلی، حتی وقتی نامزد بودیم اینا رو با شوهرم به هم میگفتیم که اینا رو برو بخون دستت بیاد، اونم میخوند و با هم

آمادگی درون‌فردی: مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر به آمادگی درون‌فردی^۱ اشاره کردند که شامل مقوله‌هایی هم‌چون آمادگی روانی^۲، آمادگی عاطفی^۳ و آمادگی اخلاقی^۴ برای ازدواج می‌شد که هر یک از این آمادگی‌ها شامل کدهای مرتبط با مقوله خاص خود است.

در بحث آمادگی روانی، می‌توان به قدرت تصمیم‌گیری مستقل فرد در انتخاب همسر، پذیرش خانواده همسر و داشتن دید مثبت و منطقی به ازدواج اشاره کرد. به‌عنوان نمونه در مورد تصمیم‌گیری مستقل از خانواده اصلی در انتخاب همسر، به نقل‌قولی از مشارکت‌کننده شماره ۱۴ اشاره می‌شود: "آزادی کامل داشتم تقریباً تو اینکه به این بله بگم یا خیر بگم، آزادی داشتم... این موردی رو که انتخاب کردم اگه می‌گفتم بله کسی نمیگفت نه و اگه می‌گفتم نه کسی نمیگفت بله. حق انتخاب رو داشتم."

در بحث آمادگی عاطفی می‌توان به قدرت فرد در کسب استقلال عاطفی از اطرافیان، آمادگی مهرورزی به همسر و آمادگی کنترل عواطف خود، به‌ویژه خشم اشاره نمود. مصاحبه‌شوندگان با بیان این که قبل از ازدواج از این مساله آگاه بودند که با ورود به زندگی مشترک به‌طور طبیعی ناگزیر خواهند شد که از ارتباط با خانواده اصلی خود بکاهند، به کسب استقلال عاطفی از خانواده اصلی خود اشاره کردند. "از لحاظ عاطفی هم خیلی وابستگی به خانوادم نداشتم و الان هم ندارم، در عین حال که ما تو به مجتمع هستیم و واحدامون به همدیگه نزدیکه اما استقلال رو همون موقع هم داشتم، مثلاً اخوی من خیلی دوست داره که نزدیک باشه و

1. intrapersonal readiness
2. mental readiness
3. emotional readiness
4. moral readiness

5. interpersonal readiness

شونده‌ها به عواملی هم‌چون تناسب سطح اقتصادی، فرهنگی - تربیتی خانواده اصلی و خانواده همسر، مذهبی بودن و خوشنامی خانواده همسر اشاره کردند. "من قبل از اینکه معیاری برا خانوم خودم بنارم معیاری گذاشتم برا خانواده خانومم یعنی من اول خانواده خانومم رو انتخاب کردم بعد خانومم رو، همیشه معیارم برا خانواده خانومم این بود که خانواده مذهبی باشن، خانواده مقیدی باشن، خانواده ساده‌ای باشن درست مئه خودما." (مشارکت‌کننده شماره ۵).

آمادگی پذیرش نقش زیرمضمون دیگری برای آمادگی بین فردی است. این زیرمضمون شامل مفاهیم مهمی هم‌چون پذیرش مسوولیت خانه‌داری برای زن، پذیرش مسوولیت مدیریت زندگی برای مرد، پذیرش مسوولیت تامین نیازهای عاطفی همسر، پذیرش مسوولیت تامین نیازهای جنسی همسر، پذیرش چالش‌های اقتصادی زندگی مشترک، پذیرش چالش‌های ارتباطی با همسر، و تقسیم وقت خود با همسر است. "اول از همه اون مسوولیت عقلانی مرده، مرد باید بالاخره اون انتظاری که تو جامعوم ازش میره اینه که بتونه مدیر خوبی باشه، یه مدیر خوب هم باید در عین حال که قدرت تصمیم‌گیری خوبی داره قدرت تفویض اختیار خوبی هم داشته باشه، اینا مدنظرم بود." (مشارکت‌کننده شماره ۱۵).

آمادگی موقعیتی: با توجه به گفته‌های مشارکت‌کنندگان، زیرمضمون‌هایی که در ادامه ذکر شده‌اند، زیرمجموعه مضمون اصلی آمادگی موقعیتی قرار گرفتند: کسب تجربه از زندگی اطرافیان و زندگی دانشجویی، آمادگی سنی و اقتصادی و اشتغال به یک حرفه.

مصاحبه‌شونده‌ها به تجربیاتی که از زندگی اطرافیان خود، هم‌چون اعضای خانواده، دوستان، اقوام و سایرین در زمینه همسر داری و خانه‌داری کسب کرده بودند، اشاره می‌کردند و این تجربیات را در آمادگی ازدواج خود مهم می‌دانستند. منظور از کسب تجربیات همسر داری از زندگی اطرافیان، درحقیقت الگوگیری یا عبرت‌گیری از زندگی مشترک اطرافیان بوده است. "حقیقتش من خودم خیلی سعی می‌کردم که مشکلات اجتماعیه که می‌دیدم بین خونواده‌ها، بین زن و شوهرها، همیشه سعی می‌کردم تمرین کنم که بد نباشم، خوب باشم یعنی نکات منفی رو کنار بنارم، نکات

اطلاعاتمون رو رد و بدل می‌کردیم تا بعدا مشکلی پیش نیاد خیلی لازم بود مثلا بعد اینکه عروسی کردیم دیگه اون استرسه رو نداشتیم." (مشارکت‌کننده شماره ۳).

هم‌چنین شرکت‌کنندگان به فرایندی و تدریجی بودن آمادگی خود جهت ازدواج اشاره می‌کردند که با یافتن فرد موردنظر خود و آمادگی او برای ازدواج نیز مرتبط بود. ایشان به وجود گزینه‌هایی برای ازدواج، که یا خود ایشان به‌طور مستقیم، به‌عنوان مثال در محیط آکادمیک، با آن افراد آشنا می‌شدند یا به‌طور غیرمستقیم، از طریق دوستان، خانواده یا سایر اطرافیان به آنها معرفی می‌شد، اشاره می‌کردند. جنبه دیگر، برگزاری جلسه معارفه بین خانواده اصلی و خانواده همسر بود که تسهیل‌کننده آشنایی فرد با همسر آینده‌اش بود. هم‌چنین به شکل‌گیری تدریجی علاقه به همسر خود در حین آشنایی اشاره می‌کردند و این علاقه‌مندی را تسهیل‌کننده شرایط ازدواج خود می‌دانستند. آنها هم‌چنین به ضرورت مدت آشنایی و نامزدی که معمولا چندماه به‌طول می‌انجامید برای کسب شناخت نسبی از همسر خود اشاره می‌کردند. به‌علاوه به تدریجی بودن آمادگی روانی خود برای ازدواج نیز اشاره کردند. "الان می‌خوام بگم دوره نامزدی باید طولانی باشه خود من شاید اول نامزدی آمادگی‌ام ۷۰ درصد بود ولی موقع ازدواج به ۹۰ درصد رسیدم." (مشارکت‌کننده شماره ۱۳).

تعیین ملاک‌هایی برای انتخاب همسر و نیز خانواده او از دیگر عواملی بود که شرکت‌کننده‌ها به آن اشاره کردند که اغلب شامل ملاک‌هایی هم‌چون اعتدال مذهبی همسر، کفویت مذهبی با همسر، تناسب سطح تحصیلات با او، متعهد بودن همسر، ایمن بودن سبک دلبستگی همسر، داشتن تفاهم با همسر، کنترل‌گر نبودن همسر، منزلت شغلی مرد، بلوغ شناختی همسر، خوش‌خلقی همسر، کم‌تر بودن سن زن از همسرش، کم‌اهمیت دانستن زیبایی ظاهری همسر و حمایت همسر از ادامه تحصیل فرد، بود. "عقاید منبهمون، نه جوریه که طرف خشک و بسته باشه یا اصلا اعتقادی به دین و خدا و رحم و مروت نداشته نباشه، چون خودم سعی می‌کنم میانه‌رو باشم اونم حس کردم که این جوریه، بعدهم که رفتم تو زندگی دیدم که واقعا درست درک کردم یه همچین آدمیه." (مشارکت‌کننده شماره ۶). هم‌چنین در بحث ملاک‌گذاری برای انتخاب خانواده همسر نیز مصاحبه

دوست خیلی چیزا رو شامل می‌شه، همسر، همدل، همدم و خیلی چیزا. یه دوست خیلی کارها میتونه انجام بده، واقعا نیاز به یک همراه داشتم من." (مشارکت‌کننده شماره ۱۰).

حمایت اجتماعی: در نهایت درون‌مایه اصلی حمایت اجتماعی، مطرح می‌شود که براساس پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان شامل دو درون‌مایه فرعی است که عبارتند از: حمایت مادی و غیرمادی اطرافیان.

مصاحبه‌شونده‌ها به مفاهیمی هم‌چون حمایت مالی خانواده مرد در تهیه مسکن، حمایت مالی خانواده اصلی در تامین مخارج عروسی و تهیه وسایل منزل، اشاره می‌کردند. "خونواده هم حمایت کردن از من یعنی اون زمان، ۳ سال پیش، ۱۵ میلیون به من کمک کردن. ممنونشون هستم." (مشارکت‌کننده شماره ۷).

حمایت غیرمادی اطرافیان، شامل مفاهیمی هم‌چون پیشنهاد گزینه‌هایی برای ازدواج از جانب اطرافیان، گرفتن مشورت از دوستان، تشویق فرد از سوی خانواده اصلی برای ازدواج، ابراز رضایت خانواده اصلی از ازدواج فرد، گرفتن مشورت از خانواده اصلی در انتخاب همسر، احترام خانواده اصلی به تصمیم فرد برای انتخاب همسر و مشارکت آنها در انجام تحقیقات بود. "نقش خانوادم فقط این بود که از سلامت اون فرد و خانوادش مطمئن بشن، چون ما همشهری هم نبودیم براشون خیلی مهم بود که به طور کلی اون پسر، اون آقا سالم باشه از لحاظ اجتماعی، از لحاظ فکری، از لحاظ روحی، خانواده خوبی باشن، خانواده خوش‌نامی باشن، سرآمد باشن و به خوبی مشهور باشن، این براشون مهم بود." (مشارکت‌کننده شماره ۱۱).

بحث

پژوهش کیفی حاضر با رویکرد پدیدارشناسی به بررسی چیستی آمادگی ازدواج از دیدگاه دانشجویان متأهلی که هنگام ازدواج از آمادگی مطلوبی برخوردار بوده‌اند، پرداخت. تحلیل و کدگذاری یافته‌ها منجر به پیدایش ۵ مضمون اصلی تحت عنوان: آمادگی درون‌فردی، آمادگی بین‌فردی، آمادگی موقعیتی، الزام‌آوری نیازها و حمایت اجتماعی شد.

یکی از مهم‌ترین درون‌مایه‌های اصلی آشکار شده در این مطالعه، آمادگی درون‌فردی بود. در واقع این مضمون اصلی نشان داد که افراد به سطوحی از آمادگی عاطفی، روانی و

مثبت رو داشته باشم، همیشه وقتی مجرد بودم تمرین می‌کردم." (مشارکت‌کننده شماره ۵).

با توجه به پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان، مشخص شد که تجربیات زندگی دانشجویی و خوابگاهی دانشجویان در آمادگی ایشان برای ازدواج نقش داشته است. مفاهیم مهمی که از پاسخ‌های آنها استخراج شد عبارتند بودند از: مطالعات آکادمیک و آزاد در مورد زندگی مشترک، نقش دید مثبت دوستان فرد به ازدواج در تسریع آمادگی ازدواج فرد، استفاده از برنامه‌های مرتبط با ازدواج در دانشگاه، اهمیت زندگی خوابگاهی در افزایش سازگاری و کسب استقلال عاطفی از خانواده اصلی و کسب تجربیات خانه‌داری از دوران دانشجویی. "من وقتی که خوابگاه بودم به مشکلاتی که ممکنه توی خونه پیش بیاد و مسایلی که ممکنه رو در موردشون فکر میکردم و این انعطاف‌پذیری رو درخودم می‌دیدم که میتونم این مشکلاتو در زندگی حل کنم." (مشارکت‌کننده شماره ۲).

در بحث آمادگی سنی مفاهیمی هم‌چون آمادگی در اواسط دهه سوم زندگی، انجام خدمت سربازی برای مردان و آمادگی تدریجی ازدواج با اتمام دوره کارشناسی مطرح شد. مشارکت‌کنندگان به سنین میانی دهه سوم زندگی خود، یعنی ۲۷-۲۳ سالگی، اشاره می‌کردند. "۲۴ سالگی یعنی همون موقع که ازدواج کردم همون موقع سنش بود و خوب کاری کردیم که دوران عقد و نامزدی رو طولانی کردیم... چون ما وقتی نامزد کردیم من ۲۱ سالم بود و آمادگی ازدواج رو واقعا نداشتم و دوران نامزدی و عقد ما ۳ سال طول کشید." (مشارکت‌کننده شماره ۱۳).

الزام‌آوری نیازها: شرکت‌کننده‌ها به مجموعه نیازهایی

اشاره می‌کردند که محرک آمادگی ازدواج آنها بود که شامل نیازهای مادی و غیرمادی بود.

دو نیاز مادی که به آنها اشاره شد، عبارت بود از نیاز جنسی و نیاز به استقلال مالی از خانواده اصلی. "نیازهای زیستی داشتم. بالاخره برا هر کسی وجود داره، نیازهای جنسی، جزو نیازهای در واقع اولیه است." (مشارکت‌کننده شماره ۱۵).

در بحث نیازهای غیرمادی عمده‌ترین نیازهایی که مطرح شد عبارت بود از نیاز به رشد شخصیتی، آرامش، همدم و پیشرفت جایگاه اجتماعی. "نیاز به یه دوست حالا این

(۱۳۹۵)؛ فینگلد (۱۹۹۰)؛ قاسمی تودشکچویی و همکاران (۱۳۸۴)؛ کانیکهام و همکاران (۱۹۹۷)؛ لارسون (۱۹۸۸)؛ هارت (۲۰۱۴) و هولمن و لی (۱۹۹۷) همخوانی دارد. هم‌چنین ملاک‌هایی که افراد عموماً برای انتخاب خانواده همسر خود به آنها اشاره داشتند، عبارت بودند از: تناسب سطح اقتصادی- فرهنگی- مذهبی- تربیتی خانواده اصلی و خانواده همسر و خوشنامی خانواده همسر که نتایج حاضر با نتایج مطالعات جرارد (۱۹۶۴)؛ به نقل از ساروخانی، (۱۳۸۶)؛ خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۹۵) و شافرو کیت (۱۹۹۰) مطابقت دارد. افراد هم‌چنین به آمادگی خود برای پذیرش نقش‌های همسری، مسوولیت‌ها و چالش‌های زندگی مشترک اشاره می‌کردند که نتایج حاضر با نتایج مطالعات استینت (۱۹۶۹)؛ قلیلی و همکاران (۲۰۱۲) و لارسون (۱۹۸۸) مطابقت دارد.

درون‌مایه اصلی دیگر مطالعه حاضر، آمادگی موقعیتی بود. زیرمضمون‌هایی که در ادامه ذکر می‌شود زیرمجموعه مضمون اصلی آمادگی موقعیتی قرار گرفتند: کسب تجربه از زندگی اطرافیان و زندگی دانشجویی، آمادگی سنی، آمادگی اقتصادی و اشتغال به یک حرفه که نتایج مطالعه حاضر در مورد تاثیر کسب تجربه از زندگی اطرافیان با نتایج تحقیقات وایت‌هد و پاپنو (۲۰۰۷)؛ آکسین و تورنتون (۱۹۹۲)؛ هیتون (۲۰۰۲)؛ نلسون (۲۰۰۸) و کارول و همکاران (۲۰۰۹) مطابقت دارد. در بحث آمادگی سنی می‌توان گفت مشارکت کنندگان اغلب از آمادگی سنی در سال‌های میانی دهه سوم زندگی خود خبر دادند. بنابراین نتایج مطالعه حاضر با نتایج تحقیقات اوسارنرن، ماکند و جاناتان (۲۰۱۲)؛ کارول و همکاران (۲۰۰۷)؛ مظاهری و همکاران (۱۳۸۱)؛ ویلقبی و همکاران (۲۰۱۲)؛ (۲۰۱۵) و هولمن و لی (۱۹۹۷) همخوان است. هم‌چنین افراد اتمام تحصیلات را از پیش‌شرط‌های لازم جهت آمادگی خود می‌دانستند که این نتیجه با نتایج مطالعات اپنهايمر (۱۹۸۸)؛ ساسلر و شوئن (۱۹۹۹)؛ کارول و همکاران (۲۰۰۹) و هولمن و لی (۱۹۹۷) همسو است.

در مورد مقوله آمادگی اقتصادی نیز با توجه به پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان، مفاهیمی هم‌چون مهم دانستن تهیه مسکن شخصی، کم‌اهمیت دانستن تهیه ماشین شخصی، و استقلال مالی مرد از خانواده اصلی استخراج شد. نتایج

اخلاقی جهت ازدواج رسیده بودند. به این معنی که از لحاظ عاطفی به یک سطح لازم از استقلال از اطرافیان، آمادگی مهرورزی به همسر و کنترل عواطف خود، به‌ویژه خشم، دست یافته بودند. در بحث آمادگی روانی، می‌توان به قدرت تصمیم‌گیری مستقل فرد در انتخاب همسر، پذیرش خانواده همسر و داشتن دید مثبت و منطقی به ازدواج اشاره کرد. هم‌چنین در بحث آمادگی اخلاقی می‌توان به آمادگی فرد در متعهد بودن به همسر، آمادگی صبر در برابر سختی‌های زندگی مشترک و نیز فداکاری و گذشت در ارتباط با همسر، اشاره کرد که نتایج مذکور با نتایج مطالعات استینت (۱۹۶۹)؛ قلیلی و همکاران (۲۰۱۲)؛ کشیرزکایا، ژولودوا و اسکرینیک (۲۰۱۵)؛ لارسون (۱۹۸۸)؛ مارتین، اسپیکتر، مارتین و مارتین (۲۰۰۳) و هولمن و لی (۱۹۹۷) همسو است.

درون‌مایه اصلی دیگر مطالعه حاضر، آمادگی بین‌فردی است که دارای ۵ درون‌مایه فرعی است؛ کسب مهارت‌های زندگی مشترک، طی کردن فرایند آمادگی ازدواج، ملاک گذاری برای انتخاب همسر و خانواده همسر، و آمادگی پذیرش نقش‌های همسری. در بحث طی کردن فرایند آمادگی ازدواج، مشارکت‌کنندگان به فرایندی بودن آمادگی ازدواج خود اشاره می‌کردند. آنها به وجود گزینه‌هایی برای ازدواج و آشنایی مستقیم یا از طریق واسطه با ایشان و برگزاری جلسه معارفه بین خانواده اصلی و خانواده همسر، که تسهیل‌کننده آشنایی جدی فرد با همسر آینده‌اش بود، اشاره کردند. افراد هم‌چنین به شکل‌گیری تدریجی علاقه به همسر خود در حین آشنایی اشاره می‌کردند و این علاقه‌مندی را تسهیل کننده آمادگی ازدواج خود می‌دانستند که این نتیجه با نتایج مطالعات لارسون (۱۹۸۸) و نلسون (۲۰۰۸) در این زمینه همسو است.

در بحث ملاک‌گذاری در انتخاب همسر، مشارکت کنندگان به ملاک‌های مختلفی مانند اعتدال مذهبی همسر، کفویت مذهبی و تحصیلی با همسر، متعهد بودن، خوش خلقی، ایمن بودن سبک دلبستگی همسر، داشتن تفاهم با همسر، کنترل‌گر نبودن همسر، بامنزلت‌بودن شغل مرد، کمتر بودن سن زن نسبت به همسر، پختگی شخصیتی همسر و حمایت او از ادامه تحصیل فرد اشاره می‌کردند که نتایج با نتایج مطالعات باس (۱۹۸۹)؛ خجسته‌مهر و همکاران

نمونه پژوهش حاضر محدود به تجربیات زیسته آمادگی ازدواج دانشجویانی بود که دامنه تاهل ۵-۱ سال داشتند و از ازدواج خود راضی بودند، به همین دلیل نتایج این پژوهش شامل تجربیات آمادگی ازدواج سایر اقشار جامعه مانند افراد مطلقه یا افرادی که ازدواج دوم داشتند، نمی‌شود. هم‌چنین تعمیم نتایج به نمونه‌های غیردانشجو باید با احتیاط صورت گیرد. هرچند پژوهش حاضر یک مطالعه اکتشافی مقدماتی در زمینه آمادگی ازدواج است ولی به ارتقاء دانش در زمینه چارچوب مفهومی چگونگی آمادگی ازدواج و ادراک آمادگی ازدواج کمک می‌کند. مقایسه تجربیات زیسته آمادگی ازدواج افراد دانشجو و غیردانشجو و مطلقه و غیرمطلقه گامی مهم به سوی آزمون اعتبار یافته‌های پژوهش حاضر است.

پژوهش حاضر براساس تجارب دانشجویان متاهل به موضوع پراهمیت چپستی آمادگی ازدواج در بافت فرهنگی-اجتماعی کشورمان پرداخت. یافته‌ها نشان داد که آمادگی ازدواج دانشجویان جوان متأثر از عوامل مختلفی هم‌چون آمادگی‌های درون‌فردی، بین‌فردی، موقعیتی، الزام‌آوری نیازها و حمایت اجتماعی است. شناسایی این عوامل از طریق روش‌های کمی و ابزارهایی که فاقد حساسیت فرهنگی هستند، دور از دسترس بود. این یافته‌ها از یک سو لزوم توجه بیشتر به مبانی فرهنگی، ارزشی و اجتماعی تاثیرگذار بر نهاد ازدواج را برای افرادی که در حوزه ازدواج جوانان مشغول به فعالیت هستند، یادآوری می‌کند و از سوی دیگر، لزوم انجام پژوهش‌های کیفی بیشتر در زمینه آمادگی ازدواج جوانان در نمونه‌های متنوع‌تر را متذکر می‌شود. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر عوامل اثرگذار بر ادراک آمادگی ازدواج می‌توان از آن به‌عنوان تعیین سطح آمادگی ازدواج جوانان و مبنایی برای محتوای برنامه‌های آموزشی آمادگی ازدواج استفاده کرد.

اضطرابی و اجتنابی و نگرش مذهبی با ادراک آمادگی ازدواج و نگرش به ازدواج در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه قم. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید چمران اهواز.

قاسمی تودشکچویی، غ. ر.، معتمدی، م.، اسداللهی، ق. ع.، و مالک، ش. (۱۳۸۴). بررسی مقایسه‌ای ملاک‌های انتخاب همسر داوطلبان ازدواج در بدو و یکسال پس از ازدواج. *فصلنامه تحقیقات علوم رفتاری*، ۳، ۶۷-۷۴.

مطالعه حاضر در این زمینه با نتایج مطالعات قلیلی و همکاران (۲۰۱۲)؛ کارول و همکاران (۲۰۰۹)؛ گییسون-دیویس (۲۰۰۹) و هولمن و لی (۱۹۹۷) همسو است. هم‌چنین در بحث اشتغال به یک حرفه می‌توان گفت که داشتن شغل پایدار و با منزلت اجتماعی برای یک مرد ملاک مهمی برای آمادگی موقعیتی فرد برای ازدواج محسوب می‌شود. بعد مذکور از حمایت نتایج مطالعات اپنهایمر (۱۹۸۸)؛ باس (۱۹۸۹)؛ ساسلر و شوئن (۱۹۹۹)؛ کارول و همکاران (۲۰۰۹) و گییسون-دیویس (۲۰۰۹) برخوردار است.

درون‌مایه اصلی دیگری که از این پژوهش آشکار شد، الزام‌آوری نیازها بود. مشارکت‌کننده‌ها به دو دسته نیاز شامل نیازهای مادی و غیرمادی اشاره کردند. شدت نیازها و لزوم برآورده‌ساختن آنها، محرک مهمی برای آمادگی ازدواج افراد بوده است و شامل نیازهای مادی هم‌چون نیاز جنسی و استقلال مالی از خانواده اصلی و نیازهای غیرمادی هم‌چون نیاز به رشد شخصیتی، آرامش، همدم و رشد اجتماعی است. پژوهش‌های خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۹۵)؛ شرودر (۲۰۰۳) و کامکار (۱۳۷۷) نیز نتایج مشابهی در این زمینه ارائه کرده‌اند.

در نهایت به درون‌مایه اصلی حمایت اجتماعی اشاره می‌شود که براساس پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان شامل دو زیرمضمون حمایت مادی و غیرمادی اطرافیان بود که این حمایت‌ها نقش مهمی در آمادگی افراد برای ازدواج داشته است. نتایج پژوهش‌های اورلوا و دانتسوف (۲۰۱۲)؛ قلیلی و همکاران (۲۰۱۲)؛ کفلاس و همکاران (۲۰۱۱)؛ لارسون و همکاران (۱۹۹۸)؛ هارت (۲۰۱۴) و هولمن و لی (۱۹۹۷) با نتایج پژوهش حاضر در مورد تاثیر حمایت اطرافیان در آمادگی ازدواج جوانان، همسو است.

منابع

- خجسته‌مهر، ر.، محمدی، ع.، و عباس‌پور، ذ. (۱۳۹۵). نگرش دانشجویان متاهل به ازدواج: یک مطالعه کیفی. *نشریه روان پرستاری*، ۲، ۱۹-۲۸.
- ساروخانی، ب. (۱۳۸۶). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: انتشارات سروش.
- شریفی‌زاده، ز. (۱۳۹۱). *بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی*

مظاهری، م. ع.، پوراعتماد، ح. ر.، و حیدری، م. (۱۳۸۱). *ارزیابی نتایج و پیامدهای جشن‌های ازدواج دانشجویی*. گزارش منتشرنشده. طرح تحقیق دانشگاه شهیدبهبشتی تهران.

کامکار، ع. (۱۳۷۷). *بررسی نگرش دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی در مورد ازدواج*. طرح پژوهشی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کهگیلویه و بویراحمد.

References

- Axinn, W. G., & Thornton, A. (1992). The relationship between cohabitation and divorce: Selectivity or causal influence? *Demography*, 29, 357-374.
- Barr, A. B., & Simons, R. L. (2016). Marital beliefs among African American emerging adults: The roles of community context, family background, and relationship experiences. *Journal of Family Issues*, 37, 1-31.
- Blumer, H. (1969). *Symbolic interactionism: Perspective and method*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Buss, D. M. (1989). Sex differences in human mate preferences: Evolutionary hypotheses tested in 37 cultures. *Behavioral and brain sciences*, 12, 1-14.
- Carroll, J. S., Badger, S., Willoughby, B. J., Nelson, L. J., Madsen, S. D., & Barry, C. M. (2009). Ready or not? Criteria for marriage readiness among emerging adults. *Journal of adolescent research*, 24, 349-375.
- Carroll, J. S., Willoughby, B., Badger, S., Nelson, L. J., Barry, C. M., & Madsen, S. D. (2007). So close, yet so far away the impact of varying marital horizons on emerging adulthood. *Journal of Adolescent Research*, 22, 219-247.
- Cate, R. M., & Lloyd, S. A. (1992). *Courtship*. New York, NY: Sage Publications, Inc.
- Clarkberg, M., Stolzenberg, R. M., & Waite, L. J. (1995). Attitudes, values, and entrance into cohabitational versus marital unions. *Social forces*, 74, 609-632.
- Colaizzi, P. F. (1978). Psychological research as the phenomenologist views it. In R. S. Valle & M. King (Eds.), *Existential-Phenomenological Alternatives for Psychology* (pp. 48-71). New York, NY: Oxford University Press.
- Creswell, J. W., & Clark, V. L. P. (2007). *Designing and conducting mixed methods research*. New York, NY: Sage Publications.
- Cunningham, M. R., Druen, P. B., & Barbee, A. P. (1997). Angels, mentors, and friends: Trade-offs among evolutionary, social, and individual variables in physical appearance. *Evolutionary social psychology*, 25, 109-140.
- Denzin, N. K., & Lincoln, Y. S. (2005). *The Sage handbook of qualitative research*. New York, NY: Sage Publications.
- Feingold, A. (1990). Gender differences in effects of physical attractiveness on romantic attraction: A comparison across five research paradigms. *Journal of Personality and Social Psychology*, 59, 93-94.
- Ghalili, Z., Etemadi, O., Ahmadi, S. A., Fatehizadeh, M., & Abedi, M. R. (2012). Marriage readiness criteria among young adults of Isfahan: A qualitative study. *Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business*, 4, 1076-1083.
- Gibson-Davis, C. M. (2009). Money, marriage, and children: Testing the financial expectations and family formation theory. *Journal of Marriage and Family*, 71, 146-160.
- Giorgi, A. P. (1997). The theory, practice, and evaluation of the phenomenological method as a qualitative research procedure. *Journal of phenomenological psychology*, 28, 235-260.
- Glenn, N., & Marquardt, E. (2001). *Hooking up, hanging out, and hoping for Mr. Right*. In An Institute for American Values Report to the Independent Women's Forum. New York: Institute for American Values .
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1989). *Fourth generation evaluation*. New York, NY: Sage Publications.
- Heaton, T. B. (2002). Factors contributing to increasing marital stability in the United States. *Journal of Family Issues*, 23, 392-409.
- Holloway, I., & Wheeler, S. (2013). *Qualitative research in nursing and healthcare*. New York: John Wiley & Sons..
- Holman, T. B., & Li, B. D. (1997). Premarital factors influencing perceived readiness for marriage. *Journal of Family Issues*, 18, 124-144.
- Holman, T. B., Larson, J. H., & Harmer, S. L. (1994). The development and predictive validity of a new premarital assessment instrument: The preparation for marriage questionnaire. *Family Relations*, 43, 46-52.
- Hurt, T. R. (2014). Black men and the decision to marry. *Marriage & Family Review*, 50, 447-479.
- Kashirskaia, I. K., Zholudeva, S. V., & Skrynnik, N. E. (2015). Psychological readiness for

- marriage as personal formation. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 6, 452-463.
- Kefalas, M. J., Furstenberg, F. F., Carr, P. J., & Napolitano, L. (2011). Marriage is more than being together: The meaning of marriage for young adults. *Journal of Family Issues*, 32, 845-875.
- Kerpelman, J. L., & Schvaneveldt, P. L. (1999). Young adults' anticipated identity importance of career, marital, and parental roles: Comparisons of men and women with different role balance orientations. *Sex roles*, 41, 189-217.
- Kostere, K., & Percy, B. (2006). *Five approaches to qualitative research in general psychology*. Unpublished manuscript, Capella University, Minneapolis, MN.
- Larson, J. H. (1988). Factors influencing college students' perceived readiness for marriage. *Family Perspective*, 22, 145-157.
- Larson, J. H., Benson, M. J., Wilson, S. M., & Medora, N. (1998). Family of origin influences on marital attitudes and readiness for marriage in late adolescents. *Journal of Family Issues*, 19, 750-768.
- Larson, J. H., Newell, K. E., Holman, T. B., & Feinauer, I. D. (2007). The role of family environment in the dating relationships and readiness for marriage of young adult male survivors of non-familial childhood sexual abuse. *The American Journal of Family Therapy*, 35, 173-186.
- Martin, P. D., Specter, G., Martin, D., & Martin, M. (2003). Expressed Attitudes of Adolescents toward Marriage and Family Life. *Adolescence*, 38, 359-367.
- Mosko, J. E., & Pistole, M. C. (2010). Attachment and religiousness: Contributions to young adult marital attitudes and readiness. *Family Journal*, 18, 127-135.
- Morse, J. M. (1994). Designing funded qualitative research. In N. K. Denzin & Y. S. Lincoln (Eds.), *Strategies of qualitative inquiry* (pp. 220-235). New York, NY: Sage Publications.
- Moustakas, C. (1994). *Phenomenological research methods*. New York, NY: Sage Publications.
- Nelson, H. A. (2008). *A grounded theory model of how couples prepare for marriage*. Doctoral dissertation, University of Illinois at Urbana-Champaign.
- Oppenheimer, V. K. (1988). A theory of marriage timing. *American journal of sociology*, 94, 563-591.
- Orlova, I. N., & Dontsov, D. A. (2012). Social psychological readiness for marriage and family in Russian university students. *Social Psychology and Society*, 2012, 48-57.
- Osarenren, N., Makinde, B. O., & Jonathan, A. (2012). Relationships between perception of marriage and readiness to marry among final year undergraduate students of university of Lagos, Nigeria. *Journal of Educational Review*, 5, 537-542.
- Sassler, S., & Schoen, R. (1999). The effect of attitudes and economic activity on marriage. *Journal of Marriage and the Family*, 61, 147-159.
- Schafer, R. B., & Keith, P. M. (1990). Matching by weight in married couples: A life cycle perspective. *The Journal of Social Psychology*, 130, 657-664.
- Schroeder, A. R. (2003). *The meaning of marriage: An exploratory study of why women choose to marry*. Doctoral dissertation, Trinity Western University, British Columbia, Canada.
- Speziale, H. S., Streubert, H. J., & Carpenter, D. R. (2011). *Qualitative research in nursing: Advancing the humanistic imperative*. Philadelphia: Lippincott Williams & Wilkins.
- Stinnett, N. (1969). Readiness for marital competence. *Journal of Home Economics*, 61, 683-686.
- Waller, M. R., & McLanahan, S. S. (2005). "His" and "her" marriage expectations: Determinants and consequences. *Journal of Marriage and Family*, 67, 53-67.
- Whitehead, B. D., & Popenoe, D. (2007). *The state of our unions: The social health of marriage in America*. Retrieved from <http://marriage.rutgers.edu>.
- Willoughby, B. J., Hall, S. S., & Luczak, H. P. (2015). Marital paradigms: A conceptual framework for marital attitudes, values, and beliefs. *Journal of Family Issues*, 36, 188-211.
- Willoughby, B. J. (2010). Marital attitude trajectories across adolescence. *Journal of Youth and Adolescence*, 39, 1305-1317.
- Willoughby, B. J., Medaris, M., James, S., & Bartholomew, K. (2015). Changes in marital beliefs among emerging adults: examining marital paradigms over time. *Emerging adulthood*, 3, 219-228.
- Willoughby, B. J., Olson, C. D., Carroll, J. S., Nelson, L. J., & Miller, R. B. (2012). Sooner or later? The marital horizons of parents and their emerging adult children. *Journal of Social and Personal Relationships*, 29, 967-981.
- Willoughby, B. J., Carroll, J. S., Vitas, J. M., & Hill, L. M. (2012). Transmission of attitudes regarding marital timing and marital. *Journal of Family Issues*, 33, 223-245.